

# رشد همه جانبه

● آگاهی، لازمه آزادی است و آزادی بدون آگاهی، سمی است مهلک.  
● کار باید به کاردانهایی داده شود که آمادگی ذاتی و اکتسابی دارند، یعنی هم عاشقند، هم عالماند، هم عادلند و هم عاقل.

آزادی ملت‌ها و استقلال دولت‌ها  
سلاحهایی است که از هر طرف آمریکا را  
می‌فشارد و ایر به عهده آگاهان آمریکا است  
که اگر می‌خواهند کشورشان به سرنوشت  
شوروی دچار نشود، زودتر به خود آیند و با  
آگاه کردن مردم، دست مأموران خودخواه و  
نژادپرست حاکم بر جامعه خویش را از رقم  
زدن سرنوشت ایشان کوتاه کرده، به اصالت‌های  
انسانی که در آموزش‌های پیامبران الهی و از  
جمله مسیح مقس آمده است، برگردند.

در هر صورت، امروزه انقلاب شکوهمند  
اسلامی ایران، علیرغم تمام نابسامانی‌های  
دوران گذار، دگرترین نوینی را برای بررسی  
توسعه جوامع سانی ارائه می‌کند که با الهام از  
آن، آن را «رشد همه جانبه» نامیده‌ایم، زیرا  
معتقدیم که رشد اگر در یک جهت باشد،  
قطعاً موجب اوجاج و انفجار می‌گردد.

## رشد همه جانبه:

نظریه «رشد همه جانبه» دربرگیرنده رشد  
متوازن همه ابعاد جامعه به شرح زیر است:

- ۱- رشد اقتصادی، شامل رشد در همه شئون  
اقتصادی و از جمله:
  - رشد در تهیه
  - رشد در تولید
  - رشد در توزیع
  - رشد در مصرف
- ۲- رشد فرهنگی، شامل رشد در همه ابعاد  
فرهنگی و از جمله:
  - رشد در پژوهش
  - رشد در پالایش
  - رشد در آموزش
  - رشد در پرورش
- ۳- رشد اجتماعی، شامل رشد در کلیه شئون  
اجتماعی هر جامعه‌ای و از جمله:
  - رشد خا یادگی
  - رشد محلی
  - رشد ملی
  - رشد بین‌المللی
- ۴- رشد سیاسی، شامل رشد در کلیه شئون  
سیاسی جامعه را جمله:

نتیجه‌گیری می‌کردند که هر جهانی همان باید  
باشد که هست.

پس از جنگ جهانی دوم که دو ابرقدرت  
آمریکا و شوروی پیروزمندانه از جنگ خارج  
شدند، جهان را بین خود تقسیم کرده،  
اصطلاحاً دو بلوک شرق و غرب درست  
کرده، خود را خورشید نامیده و هر یک نیز  
عده‌ای از کشورها را اقمار خود دانستند تا در  
ظاهر کمک به عمران و آبادی آنها کنند و در  
باطن پایگاههایی برای استعمار خویش داشته  
باشند.

تحولات بعدی موجب شد که محاسبات  
ابرقدرتها اشتباه درآید. دو کشور نابود شده  
در جنگ، به نامهای آلمان و ژاپن به زودی از  
چنان قدرت اقتصادی برخوردار شدند که  
ابرقدرتها ناچار از وامخواهی از آنان گردیدند  
و در این اواخر کار به جایی کشیده شد که برای  
شوروی قدرتمند ادامه حیات غیرممکن  
گردید، به طوری که آن امپراتوری هفتادساله،  
هفت روزه از هم پاشید. به طور قطع، آمریکا  
نیز که به زور اسلحه، یکه‌تاز میدان جهانی  
گردیده است، دیر یا زود ناچار است در  
رفتارش تجدیدنظر کند، چه از نظر اقتصاد  
داخلی بسیار مقروض است و از نظر میلیتاریسم  
خارجی بسیار متفور.

از: دکتر حسین باهر  
نقل از: تازه‌های اقتصاد - شماره بیست و نهم

## بخش اول: تعریف مفاهیم

### تاریخچه

اقتصاددانان کلاسیک، ملاک ترقی  
کشورها را رشد اقتصادی آنها می‌دانستند و  
معتقد بودند که اگر کشوری از نظر مادی  
شرایط بهتری داشته باشد، قاعدتاً از  
نقطه‌نظرهای دیگر هم پیشرفته‌تر است. برای  
رشد اقتصادی هم معیاری قائل بودند، به نام  
تحولات درآمد سرانه و یا تغییرات نسبت  
درآمد ملی به جمعیت کشور. درآمد ملی را  
هم ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط  
یک ملت در طول یک سال می‌انگاشتند و  
ملت را هم شامل کلیه افراد تابع یک حکومت  
مرکزی قلمداد می‌کردند.

براین اساس، کشورها را به سه دسته تقسیم  
کرده بودند: رشد یافته، در حال رشد و رشد  
نیافته و به عبارتی قابل به دنیایی با سه جهان  
بودند: جهان اول، جهان دوم و جهان سوم و  
لذا برای هر یک، شرح و بسط کافی در رابطه  
با علل و عوامل وضعیت آنها می‌دادند و نهایتاً



- رشد قوه ارشادیه
- رشد قوه مقننه
- رشد قوه مجریه
- رشد قوه قضائیه

بدیهی است که حاصلضرب بین چهار دسته رشد را می‌توان «رشد همه جا به» نامید.

### روش اندازه‌گیری شاخصهای «رشد همه جانبه»:

برای اندازه‌گیری ابعاد مختلف رشد همه جانبه ضروری است که از روش همه‌جانبه‌ای نیز پیروی کرد که به طور خلاصه م پارهای آن به شرح زیر است:

۱- همسویی با روشهای الی (یعنی ارزشهای مطلق که توسط ادیان الی آورده شده است).

۲- همسویی با دانشهای بشری (یعنی تطابق با موازین علمی مسلم بشری).

۳- همسویی با روشهای فنی (یعنی آخرین تکنولوژی‌های اختراع شده).

۴- همسویی با توان‌های موضعی (یعنی انطباق با مقتضیات زمان و مکان).

به عبارت دیگر، برای اندازه‌گیری هر یک از ابعاد «رشد همه جانبه» اعم از شوون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بایستی معیارهای چهارگانه‌ای را به کار گرفت که به عنوان محور مقایسه، مورد استناد و استنتاج قرار گیرند.

پرواضح است که در خیلی از واقع، این اندازه‌گیریها به دلیل کیفی بودن زینه، بسیار مشکل است. در این صورت بایستی از تکنیک‌های کمی کردن کیفیات بهره بیشتری برد.

### نمونه ایران

به عنوان نمونه، سعی ما در ایر است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی و حتی فرهنگی - سیاسی ایران را به اجمال و حتی بدین مراجعه به آمار و ارقام ارزیابی کرده، نقاط ضعف و تنگناهای «رشد همه جانبه ایران اسلامی» را به نقد کشیده، برای آنها راه حل ارائه کنیم.

### ● هیچگونه توجیه محکمه‌پسندی برای عقب‌ماندگی فرد و جامعه وجود ندارد، مگر قصور و تقصیر خود و خودی‌ها.

#### بخش دوم: موانع رشد

موانع رشد یا آنچه که در اصطلاح قرآن شاید به آن «غی» گفته شده است، یعنی عواملی که مانع شکوفا شدن استعدادهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فرد و جامعه در طول زمان و عرض مکان می‌گردد، بسیار است که شاید بتوان در چهار دسته زیر آنها را طبقه‌بندی کرد:

#### موانع رشد اقتصادی:

بدیهی است که هر فرد و جامعه‌ای دارای

در این راستا، اگرچه بهتر بود که از منابع و مآخذ و ارقام و آمار، استفاده بیشتری می‌شد؛ ولی به دلیل کمبود وقت از طرفی، و تکیه به تجربه سالها تحصیلات نظری و تجربیات عملی از طرف دیگر، به یک برخورد اجمالی بسنده شده است، بنابراین، ضمن اعتراف به احتمال هرگونه اشتباه و سهو، بایستی از ارباب نظر استدعا گردد تا این دکترین را با عنایت بیشتری مورد مذاقه قرار داده، در صورتی که در آن مایه‌ای می‌بینند، روی آن سرمایه‌ای بگذارند.

## ● عملیات مصرف، پس انداز و سرمایه‌گذاری نیز هر یک توابعی دارند که می‌توانند به صورت مطلوب یا نامطلوب عمل کنند.

امکانات بالقوه‌ای است که از طریق عوامل انسانی، قابل شناخت و به کارگیری صحیح یا غلط می‌باشد. سوء استفاده از امکانات اقتصادی را می‌توان در یک لغت «استثمار» و یا «بهره‌کشی» نامید. استثمار که معمولاً در رابطه با سوء استفاده از نیروی کار در تابع تولید تعریف می‌شود، قابل تعمیم در همه زمینه‌های اقتصادی می‌باشد. سوء استفاده از مواد اولیه، ابزار تولید و امکانات مالی، علاوه بر نیروهای انسانی، همه و همه انواعی از استثمار هستند. بدیهی است عدم شناخت امکانات طبیعی و بالطبع مواد اولیه از طرفی، و به کارگیری هرچه نامطلوب‌تر آن مواد، می‌تواند از مهمترین موانع رشد اقتصادی باشد. علاوه بر تابع تولید، توابع دیگری در اقتصاد وجود دارد که از آن جمله است توابع توزیع و توابع تصریف. توزیع غیرعادلانه منابع و عوامل و یا ما به ازای آنها از طرفی، و توزیع غیرعادلانه کالاها و خدمات و یا ما به ازای آنها از طرف دیگر، می‌تواند از جمله موانع رشد اقتصادی قلمداد گردد، عملیات مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز هر یک توابعی دارند که می‌توانند به صورت مطلوب و یا نامطلوب عمل کنند. کشف توابع این عملیات و به کارگیری بهینه آنها از عوامل رشد و برعکس آن از موانع رشد محسوب می‌شوند.

### موانع رشد فرهنگی:

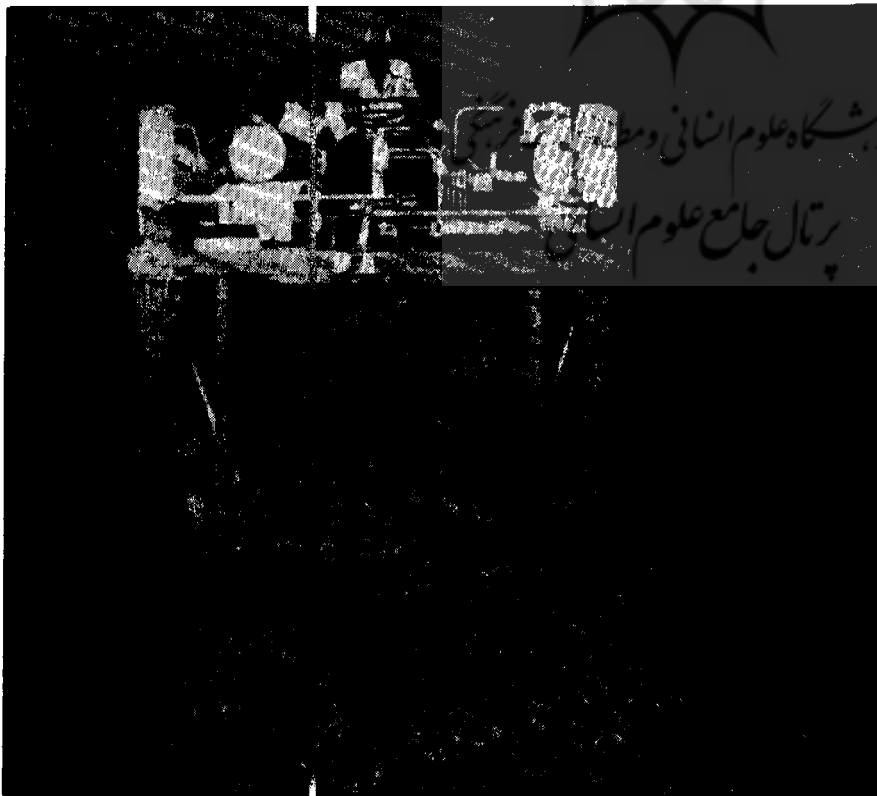
اگر فرهنگ را به مجموعه معنویات فرد یا جامعه‌ای تعبیر کنیم، خواهیم دید که زمینه‌های معنوی فراوانی در افراد و یا جوامع وجود دارد که شناخت و شکوفا کردن آنها موجب رشد فرهنگی و عدم شناخت یا عدم شکوفا کردن، هر چه مطلوب‌تر آن زمینه‌ها و بالقوه‌ها، از موانع رشد فرهنگی آن افراد یا جوامع به حساب می‌آیند. زمینه‌های فرهنگی همانا استعدادها

را پژوهش. پالایش، آموزش و پرورش بدانیم، قاعدتاً بایستی موانع رشد فرهنگی را نیز عدم شناخت و به کارگیری صحیح مکانیسم‌ها، مربوطه، یعنی مکانیسم‌های تحقیق، تزکیه، تعلیم و تربیت بدانیم. امروزه برای هر یک از این مراحل اولیه مکانیسم‌ها و حالت‌های مطلبی، با توجه به مقتضیات زمان و مکان و در چهارچوب ارزشهای بینشی و دانشی، تعریف شده است که انشاءالله بعدها به آن خواهیم پرداخت.

### موانع رشد اجتماعی:

اگر اجتهادات بشری را به صورت اعضای خانواده، اهالی محل، آحاد ملت و عناصر جامعه بین‌المللی تعبیر کنیم که به ترتیب به اعتبارهای هدخونی، هم‌خاکی، هم‌تابعی و هم‌نوعی بردهم جمع شده‌اند، بایستی اعتراف کنیم که هر یک از این تجمع‌ها دارای روح گروهی هستند که می‌تواند سیستم اجتماعی مربوطه را باز یا بسته نگهدارد. شناخت قوانین سیستم‌ها و نحوه بکارگیری آن در جوامع مختلف، از امور بسیار مهمی است

فطری هستند، به صورت متافیزیک که ورای فیزیک فرد و جامعه قرار دارند. طبق آنچه که ما از نقل اسلامی و عقل انسانی دریافت می‌کنیم، این استعدادها در افراد و جوامع مختلف، متفاوت بوده؛ ولی در هر صورت بی‌نهایت است، به عبارت دیگر، اگرچه علم و عمل ما را متقاعد می‌کند که قابل به تفاوت‌های فردی و اجتماعی باشیم؛ ولی عدل و انصاف نیز ما را ملزم می‌کند که معتقد به مواسات هم بوده باشیم، یعنی افراد و جوامع، اگر چه به طور جزئی از برابری نسبی برخوردارند ولی به طور کلی از برابری مطلق نیز بهره‌مند می‌باشند و لذا هیچگونه توجیه محکمه‌پسندی برای عقب‌افتادگی فرد و جامعه‌ای وجود ندارد، مگر قصور و تقصیر خود و خودیها. به قول قرآن: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» و یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». بدیهی است که اگر مراحل رشد فرهنگی





که می‌تواند جوامع را از حالت تکوینی درآورده، تحت کنترل‌های تشریحی قرار دهد. توضیح آنکه، اگر چه جوامع به طور کلی، و جوامع بشری به طور اخص، در ابتدا به صورت تکوینی و قهری شکل می‌گیرند؛ ولی بشر می‌تواند با شناخت قوانین مستم‌ها از طرفی، و تأثیرپذیری سازمان، از طرف دیگر، سعی در ایجاد تحولات سازنده یا مخرب (مخرب) نموده، به اصطلاح به طور تشریحی و قانونی حرکت‌هایی را به وجود آورد. که نهایتاً موجب تغییر در جوامع گردد.

آداب و سنن، در هر یک از اجتماعات چهارگانه فوق‌الذکر، از نموده‌ها، اجتماعی است که اگر چه در ابتدا به صورت قهری به وجود آمده‌اند؛ ولی نهایتاً می‌توانند تحت تأثیر القائات و الزامات قرار گیرند، شکل، محتوا و یا شکل و محتوای خود را عوض کنند. برای مثال، می‌توان از تغییر نی که در ذائقه‌ها برای نوشیدنی‌ها و در سبقه‌ها برای پوشیدنی‌ها به وجود آمده است، نام برد. امروزه اکثر مردم جهان عادت به طعم نوشابه‌های «کولا» کرده‌اند. در حالی که طعم جزو طعم‌های طبیعی نبوده است، یا خلی‌ها دست از عباد و ردای پدر و مادری خود برداشته، کراوات می‌زنند و مینی‌ژوپ می‌پوشند و حتی براین باورند که این لباس آباء و اجدادی آنها است. بنابراین در مورد تأثیرپذیری جوامع نمی‌توان تردید کرد.

### ● آبادی، یعنی شکوفایی اقتصادی به صورت درون‌زا. ● «رشد همه جانبه» یعنی رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد اجتماعی و رشد سیاسی.

امامت و امت نار حاکم بودند، چه نیرویی می‌تواند این دور باطل را متوقف کند و با جهش که احتمالاً موجب سوزندگی خود می‌گردد، باعث سازندگی جامعه گردد؟ ما امیدواریم که در آینده فرصت لازم بدست آید که در این زمینه‌ها توضیحاتی داشته باشیم؛ ولی به اختصار بایستی گفت که اگر در جامعه‌ای قشر متوسط سیاسی، یعنی نه طبقه حاکم و نه طبقه محکوم، از آگاهی و آزادی، یعنی تخصص و تعهد برخوردار باشد، عمل جهشی روبه ارتقا فراهم می‌شود و گر نه حرکت سیاسی، سیری قهقرای خواهد پیمود.

افلاطون گرفته تا مارکسیسم، لیبرالیسم و اسلام، نهایتاً در رابطه با سیاست اظهار نظر کرده‌اند؛ زیرا سیاست می‌تواند هم علت تحولات باشد و هم معلول تحولات. به عبارت دیگر، سیاست اگر چه ظاهراً روبنای جوامع به حساب می‌آید؛ ولی می‌تواند زیربنای جوامع نیز بوده باشد. در اصطلاح عربی، امامت و امت دو روی یک سکه‌اند. امامت نور موجب ایجاد امت نور می‌گردد و بالعکس، و همینطور است رابطه متقابل امامت نار و امت نار.

نکته مهمی که در این راستا مطرح می‌شود، آن است که امامت و امت نور کدامند؟ و اگر

### موانع رشد سیاسی:

اگر سیاست را به چهار عمل حکمت، حکومت، حاکمیت و حکمیت تفسیر نمایم و برای انجام آن اعمال به چهار قوه ارشادیه، مقننه، مجریه و قضاییه قایل باشیم، قاعدتاً بایستی بپذیریم که موانع رشد سیاست در هر جامعه‌ای، عبارت است از آنچه که موجب نقص و عیب نظری و عملی این چهار جنبه می‌گردد. متفکران عالم، از ابتدا تا انتها، همه و همه، به نوعی به این وجه از وجود رشد توجه داشته و بعضاً برای عوامل و موانع آن نکاتی را نیز متذکر شده‌اند. از سقراط، ارسطو و

در حدود ۳ سال خواهد بود.

لازم به ذکر است که در ابتدای این مراسم مدیر عامل اتحادیه تعاونیهای مسکن استان تهران گزارشی از عملکرد تعاونیهای مسکن ششگانه و آزادگان ارائه کرد و از سازمانها و نهادهای دولتی به ویژه وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، شهرداری تهران و وزارت تعاون به خاطر مساعدتهایی که در تامین زمین مورد نیاز کارکنان دولت کرده‌اند، تشکر و قدردانی کرد.

(ادامه مطلب از صفحه ۲۱)

خدمات شهری همچون منبع بزرگ آب، مرکز مشاورت، امکانات توزیع گاز شهری، تراکبوزشی، پارکینگ هتل، هتل، فضای سبز، نمازگاه، امکانات ورزشی، تفریح و تفریح، زمین اجاره‌ای، در صورت اقدام به صورت نسبی ۲ سال و در صورت پیش بینی تعهدات ۳ سال و در صورت پیش بینی تعهدات